



فعالیت ما در این زمینه همایشی در صنعاء بود که بیانیه‌ای در حمایت از مقاومت صادر کرد و نیز یک بیانیه دیگر برای محکوم کردن جنایت قانا و در این بیانیه مسئولیت این جنایت فجیع ضد بشری به عهده رئیس جمهور آمریکا و مسئولین رژیم صهیونیستی گذاشته شد. همچنین دستورالعملی در همایش صنعاء به تصویب رسید با عنوان (مقاومت جایگزین امت... و آزادسازی هدف است) که شامل ۱۵ بند است. این بیانیه در پاسخ اتحادیه عرب توسط دبیر کل اتحادیه اعلان کرده بود: (روند صلح شکست خورد پس جایگزین چیست؟) از جمله مواردی که در این دستورالعمل آمده، ایجاد صندوقهایی با نام (صندوقهای نفور) برای حمایت از مجاهدین و رزمندگانی که داوطلبانه نبرد می‌کنند و در مقاومت و جهاد را باز می‌گذارند. ما اعتقاد داریم که کشورهای عربی و اسلامی و عربیت و اسلامیت هر دو امروزه در مقابل تهاجم دشمن هستند و هم دین و هم هویت آنها آماج حملات دشمن قرار گرفته است. جهت ایجاد تغییر و تحول در این زمینه برای جهت دادن به فکر و اندیشه در این سمت و سو چه پیشنهادهایی دارید؟ به نظر من اهل فرهنگ عموماً و اهل ادب اهل قلم و کسانی که به دنبال نوآوری هستند،

آقای دکتر در ابتدا دوست داریم که ما را در جریان فعالیت‌های انجمن نویسندگان عرب قرار دهید. انجمن نویسندگان عرب سازمانی است که شامل ۱۶ کشور عربی می‌شود. و اعضای آن نویسندگان و ادیبان هستند. این انجمن مستقل است و هیچ ارتباطی با حکومت‌های عربی اتحادیه کشورهای عربی ندارد. انجمن جلسات و همایشهای ادبی و فرهنگی متعددی برگزار می‌کند، از جمله جلسات دوره‌ای شش ماه یکبار و همچنین یک همایش بزرگ هر سه سال یک بار در یکی از کشورهای عربی که در آن یک مسأله فرهنگی مطرح و سعی می‌شود برای آن راه حلی گذاشته شود. همچنین یک جشنواره شعر عرب برگزار می‌کند. انجمن برای مسابله سیاسی و فرهنگی جهان عرب نیز اهمیت قائل است. پروژه‌ای که هم اکنون در حال انجام است، پروژه ترجمه ۱۰۰ رمان از نویسندگان عرب قرن بیستم به زبانهای زنده دنیا از جمله زبان چینی و روسی است. همچنین فعالیتهایی دارد در ارتباط با حمایت از مقاومت، مخالفت با عادی سازی روابط با اسرائیل، که انجمن در این زمینه بسیار فعال است و همواره بیانیه صادر می‌کند و علیه این جریان موضعگیری می‌کند و دستورالعمل می‌نویسد که آخرین

جنگ تمام عیار فرهنگی!

گفت‌وگوی سوره با دکتر علی عقلم عرسان
دبیر کل انجمن نویسندگان عرب



این موسسات دانشنه یا ندانسته با سیاستهای ایالات متحده آمریکا و نیز صهیونیستها و غریبها و دستورالعمل آنها ارتباط دارند و در راستای سیاست آنها عمل می‌کنند، و به هویت و فرهنگ و ارزشها و آموزش و پرورش مسلمان و اعراب و اسلام و عربیت در حال تهاجم هستند

در نتیجه سوق دادن ملت‌های عرب به سمت عقب نشینی از مواضع خود و نیز ایجاد تفرقه و رویارویی میان روشنفکران و متفکران و نویسندگان عرب وجود دارند که به امپریالیسم و صهیونیسم تمایل دارند و به آنها وابسته هستند که اسم لیبرال بر خود می‌گذارند ولی عملاً وابسته به این قدرت‌ها می‌باشند و این طیف گاهی می‌بینیم که از انتهای راست به انتهای چپ نقل مکان می‌کند و همیشه ایدئولوژی خود را تغییر می‌دهد و در بازار سیاست برای خود دکان باز می‌کند و برای او مهم نیست که ایدئولوژی خود را از چه‌گرایی به سمت آمریکا تغییر دهد.

خوب، آقای دکتر، امروز می‌بینیم که مقاومت به عنوان نمونه عملی یک درس عملی داده است که مقاومت در برابر دشمن راهکار استراتژیک است. نقش نویسندگان و اهل فرهنگ در زمینه تشویق مردم در این راستا چیست؟

همانطور که در ابتدا گفتم ما یک استراتژی گذاشتیم تحت عنوان (مقاومت جایگزین امت و آزادسازی هدف است.) و ما از همان ابتدا از زمان کمپ دیوید سال ۱۹۷۹، با به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و عادی سازی روابط با آن مخالفت کرده‌ایم و خواستار حمایت از مقاومت هستیم و حمایت از کشورهایی که با این رژیم مخالفت می‌کنند و عربی بودن فلسطین را تأکید می‌کنند و این تفکر را تأیید می‌کنند که جنگ ما جنگ موجودیت است نه بر سر مرز و در این زمینه یک دستورالعمل برای نویسندگان عرب صادر کردیم که این تفکرات را بیان می‌کند و در سال ۱۹۹۲ قبل از کنفرانس مادرید این را تأکید کردیم. ما باید این تفکرات را در قالب شعر، رمان، مقاله و قالبهای خلاقانه دیگر درآوریم و امت خود را به این جهت سوق دهیم چون مقاومت در حقیقت فقط قادر نیست که درسهای عملی بدهد و مردم را جذب کند بلکه می‌تواند این قضیه را زنده کند و تلاش در جهت آن مداوم باشد تا

سربازان جبهه فرهنگی هستند که مهمترین جبهه فعلی ماست. چون جنگ امروز جنگ اراده و جنگ آگاهی و شناخت است، حمله دشمن علیه هویت ماست، علیه پیوستگی و علیه ارزشها، علیه عقاید دینی، علیه اصالت‌های ملتها، حمله‌ای است که هدف آن زشت جلوه دادن این ارزشها و ایجاد خلاء فرهنگی و جایگزین کردن آن فرهنگ دیگر و نابود کردن حافظه ملت‌ها و به فراموشی سپردن حقایق و واقعیت‌های نبرد با اسرائیل است. در این زمینه مسئولیت بزرگی برعهده نویسندگان و اهل قلم و فرهنگ می‌باشد. چه در زمینه نویسندگی و چه در زمینه گفتگوی فرهنگی و چه در زمینه تبلیغاتی و نیز در حرکت به سمت منابع تصمیم‌گیری و شکل دهی افکار عمومی توده‌ها، لذا به نظر من نقش بزرگی به عهده این گروه می‌باشد ولی امکانات کمی دارند. و گاهی هم اختلاف نظر بینشان وجود دارد که منشأ آن حکومت‌ها هستند.

ولی یک چیز خیلی مهمی وجود دارد و آن نفوذ برخی موسسات فرهنگی است که در داخل و خارج کشورهای عربی و اسلامی در حال فعالیت هستند و این موسسات دانشنه یا ندانسته با سیاستهای ایالات متحده آمریکا و نیز صهیونیستها و غریبها و دستورالعمل آنها ارتباط دارند و در راستای سیاست آنها عمل می‌کنند، و به هویت و فرهنگ و ارزشها و آموزش و پرورش مسلمان و اعراب و اسلام و عربیت در حال تهاجم هستند، و ما می‌دانیم هزینه‌های هنگفتی در این زمینه در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا در سال گذشته مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار برای حمایت از گروهها و موسسات مختلف فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی در نظر گرفته است که تحت عناوین مختلف فعالیت می‌کنند مانند حقوق بشر و حمایت از دموکراسی و جامعه مدنی و غیره برای تخریب کردن و برای ایجاد زمینه روحی در میان مردم برای پذیرفتن رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن و نیز زشت جلوه دادن تصویر مقاومت و سعی برای معرفی مقاومت به عنوان تروریسم و



خونسردی این جنگ ۳۳ روزه را در شرایطی بسیار سخت رهبری کرد. در شرایطی که رژیم صهیونیستی وحشیانه لبنان را خراب می‌کرد، او ثابت کرد که ارتش صهیونیستی همان ارتش بدون اخلاق در طول تاریخ می‌باشد و ثابت کرد که ملت لبنان و به خصوص مردم جنوب لبنان و بقاع و حومه جنوبی بیروت که از مقاومت حمایت می‌کرد و او را یاری کرد و صبر پایداری کرد و جانفشانی کرد، این ملت همان ملتی است که می‌توان به آن اعتماد کرد. از طرف دیگر می‌بینیم که مقاومت آماده شد و از زمان پیروزی در جنوب در سال ۲۰۰۰ وقت را از دست نداد آموزش دید و منطقه را بیشتر شناخت اسلحه فراهم کرد و یک شرایطی ایجاد کرد و ثابت کرد که اسلحه خود را فقط به طرف دشمن نشانه رفته است.

نه به سمت اطراف ثانوی، این وضعیت باعث شد سید حسن نصرالله محبوبیت پیدا کند و مورد اعتماد قرار گیرد، بیان وی همان توجهات ملت‌های عرب و مسلمان باشد و توانست توده‌ای را دور خود جمع کند. و نیز حکومت‌ها را در تنگنا قرار دهد و توانست نقشه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا را فاش سازد که به تازگی در جنگی شکست خوردند که این جنگ معادلات تازه‌ای در منطقه بوجود آورد و باعث شد که در بسیاری از مسائل تجدید نظر شود از جمله جنگ و صلح و نیز توانست اسلام را به عنوان راه حل جایگزین در شکل حقیقی خود عرضه کند به دست مجاهدانی که فقط به خدا ایمان دارند و ایمان دارند که پیروزی از خداست و فقط در مقابل خدا کرنش می‌کنند.

خوب، دکتر می‌بینیم که برخی از ادیبان و نویسندگان عرب امروزه بین دو آتش قرار گرفته‌اند ملتها و حکومتها.

ما در شرایط سخت به سر می‌بریم، من یک آتش سوم غیر از آن دو آتش نام می‌برم که آتش خود اهل فرهنگ می‌باشد که گاهی آتش می‌افروزد و گاهی خود هیزم آتش می‌شوند، لذا من می‌گویم که گزینه‌ای پیش روی صاحبان کلمه و قلم و ارزش مشخص است باید چیزی برگزیند که به نفع حق و مصلحت و ارزشها و آزادی باشد، اگر نقش خود را به نفع ارزشها ادا کنیم، علاوه بر آن ما باید فکر کنیم آیا در کنار امت و عقیده و هویت و وطن خود باشیم یا اینکه مانند تاجران بازار عمل کنیم و تجارت کنیم و یکی را خوب و دیگری را بد جلوه دهیم به خاطر مصالح

رژیم صهیونیستی را وارد یک جنگ فرسایشی کنیم و ملتها را بشورانیم و رژیم و حکومت‌های اسلامی و عربی را در مقابل در گزینه قرار دهیم، یا خواسته توده‌ها را برگزیند و در نتیجه مورد رضایت و اعتماد این توده‌ها قرار گیرد یا اینکه اعتماد ملتها را از دست بدهد. لذا می‌بینیم که مقاومت که یک درس به یادماندنی در لبنان داده است، همان مقاومت اسلامی به رهبری سید حسن نصرالله که درود بر او و درود بر مقاومتین شجاع و بهشت برای شهیدان این مقاومت باد، این مقاومت طی ۳۵ روز رویارویی با دشمن درسهایی داده است نه فقط در زمینه رویارویی نظامی، نه فقط توانست عمق رژیم صهیونیستی را در مقابله با مقاومت نشان دهد، بلکه توانست اعتماد رژیم صهیونیستی به ارتش خود را مورد شک و تردید قرار دهد و اعتماد توده‌ها و ملت‌های عرب را به ارتش‌ها و رژیم‌های عرب مورد تردید قرار دهد و ثابت کرد که حل جایگزین، مقاومت است و مقاومت می‌تواند پیروز شود و مقاومت انجام داد آنچه جنگ‌های عربی گذشته نتوانست انجام بدهد. سوال این است که چرا این مقاومت پیروز شد و چگونه پیروز شد و راه‌های مختلفی که در پیش گرفت چه بود این معجزه چگونه به وقوع پیوست؟

به نظر من سه عامل اساسی وجود دارد. ایمان و عمل به آن، ایمان در جهاد را براساس عقیده و توکل به خدا باز می‌کند و نیز ایمان به گفته خدا که فرمود(اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری کند و شما را ثابت قدم می‌کند)، دوم اینکه این مقاومت با توجه به هویت تاریخی و جغرافی خود عمل کرده است یعنی از جنوب بر خاست و برای دفاع از آن برخاست و در راستای آزادسازی جنوب و قدس عمل کرده است. همچنین مقاومت با توجه به قواعد علمی عمل کرده است یعنی به علم و آموزش نظامی و استفاده از ابزارهای جنگی مدرن اهمیت داده است. و به دستور خدا عمل کرده که فرمود(واعذوا لهم ما استطعتم فی قوه و من رباط الخیل...) و نیز این مقاومت نیز به خود اعتماد کرد و خود تصمیم گرفت و خود را از ترس رها ساخت به وسیله توکل بر خدا و به وسیله ایمان به اینکه (لن یضینا الا ما کتب الله لنا- هیچ چیز بر ما نخواهد شد مگر آنچه خدا بر ما نوشته است) و لذا اینگونه شجاعانه و مدبرانه و نیرومندانه حرکت کرده و با آن ایمانی که در گفتار و کردار و مدیریت و حکمت سید حسن نصرالله ظاهر شد که با آرامش و

در مجموع در کنار جبهه مقاومت هستند ولی هنوز از آثار گذشته رنج می‌برند. اردوگاه ما ضعیف نیست ولی در عین حال به کمک نیاز دارد از طرف مردم و فرهیختگان و خوانندگان رسانه‌ها نیز در کنار ما نیستند. کدام رسانه صدای ما را پخش می‌کند



ما واقعا یک جنگ تمام عیار ادبی و فرهنگی در پیش رو داریم. ما در این زمینه فعالیت داریم ولی متأسفانه دسترسی ما به ملت‌ها و عامه مردم آسان نیست

غیر هستیم. همچنین انجمن نویسندگان ضد به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی می‌باشد و این کار را نمی‌کند حتی اگر تمام کشورهای عربی آن‌را به رسمیت شناختند. زیرا اگر ما این رژیم را به رسمیت بشناسیم به دین و وطن و ملت خود و به ملت فلسطین خیانت کردیم. در این چهارچوب نقاط قوت و ضعفی داریم ولی ما در مقابل یک رویارویی بلند مدت قرار داریم و این جنگ به پیگیری و تصمیم‌گیری و اجتهادهای متعدد و متنوع نیاز دارد. در جنگ اخیر ماها و ملت‌های ما در مقابل راه‌های سازش کارانه و خواستار عادی سازی روابط واکسینه شدیم و در مقابل خاورمیانه آمریکا و شیمون پریز دیگر آسیب پذیر نیستیم. و هویت عربی و اسلامی خود را باز یافتیم. ما واقعا یک جنگ تمام عیار ادبی و فرهنگی در پیش رو داریم. ما در این زمینه فعالیت داریم ولی متأسفانه دسترسی ما به ملت‌ها و عامه مردم آسان نیست و آن به علت آمار زیاد بی‌سوادی در بین عامه مردم که گاهی به ۶۰٪ می‌رسد و گاهی بی‌سوادی فرهنگی داریم به علت عدم مطالعه مردم و عدم وجود فرهنگ کتابخوانی به خصوص امروز با وجود رسانه‌ها و ماهواره‌ها که اکثراً نفوذی هستند، لذا ما باید از تمام این راه‌ها استفاده کنیم تا صدای خودمان را به گوش مردم برسانیم، تا تفکر مردم را عوض کنیم. جنگ ما حقیقی، دراز و سخت است ولی امروز دو جبهه کاملا مشخص هستند. نویسندگان در مجموع در کنار جبهه مقاومت هستند ولی هنوز از آثار گذشته رنج می‌برند. اردوگاه ما ضعیف نیست ولی در عین حال به کمک نیاز دارد از طرف مردم و فرهیختگان و خوانندگان. رسانه‌ها نیز در کنار ما نیستند، کدام رسانه صدای ما را پخش می‌کند که می‌گوییم جورج بوش و آمریکا بزرگترین حامی تروریسم در جهان هستند و رژیم صهیونیستی اولین کشور تروریست جهان می‌باشد که مسئولیت ده‌ها جنایت ضد انسانی در طی ۵۰ سال گذشته به عهده اوست. چه کسی می‌تواند از این نظر ما را تحمل کند که این رژیم‌ها و حکومت‌های عربی که با رژیم صهیونیستی روابط دارند اینها نماینده ملت‌های خود نیستند. کدام رسانه صدای ما را به دیگران می‌رساند که ضد تروریسم و اشغال کشورها هستیم. دیروز از یکی از خبرنگاران عرب می‌شنیدم که داشت حرف می‌زد و هنگامی که به وی گفتند تو عرب هستی گفت نه من انگلیسی هستم. اینها ننگ امت ما هستند که باید آنها را رسوا کرد.

وقتی و ناچیز. نویسندگان در مقابل این دو گزینه مهم هستند و به نظر من اکثریت نویسندگان در کنار شرف و هویت مقاومت خود هستند. ولی یک سوال دیگری هست در مورد رابطه میان فرهنگ و سیاست، حکومت و ادب که باید به آن دقت کرد. همانطور که بین قومیت و دین، عربیت و اسلام جدل و نزاع هست. مثلاً جنبش‌های ملی‌گرا و قومی خود را دانسته یا ندانسته در مقابل اسلام قرار دادند. همانطور که جنبش‌های دینی خود را در مقابل قومیت قرار دادند و منظور از قومیت جنبه مثبت آن است نه جنبه منفی و شوفینیست آن. به عقیده من این هر دو جبهه هم اسلام و هم عربیت را ضعیف کرده‌اند و حتی اسلامگرایان مخالف قرآن بودند، قرآنی که می‌فرماید (ما شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا با هم آشنا شوید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست). در این زمینه باید شجاعانه تجدید نظر کرد و یک آشتی به وجود آورد. همچنین ما جبهه چپگرایان را داریم که همیشه در حالتهای متناقض بوده است و همیشه به این سمت و آن سمت در حال تغییر است و به نظر نمی‌آید که از این حالت خارج شود زیرا به نظر می‌آید که از این حالت شناوری خود سود می‌برد چون آنچه برای وی مهم است موجود بودن است حتی اگر به حساب نابودی دیگران باشد. و ما دیدیم که برخی از آنها این سوال را پس از پیروزی اخیر حزب الله مطرح کردند که آیا قابل قبول است که از یک تفکر دینی اسلامی ننگ نظر پیروی کنیم. و این همان راهی است که آمریکاها و صهیونیستها و برخی از ترقی خواهان در پیش گرفتند تا ایمان و عقیده ما را ضعیف کنند و به عقیده من در جنگ اخیر ما یک جهش در طرز تفکر مجاهدانی داشتیم که به هویت و عقاید و میهن خود ایمان دارند و این جنگ اخیر بسیاری از مفاهیم را تغییر خواهد داد و نویسندگان را در مقابل دو راهی مهمی قرار داد آیا در کنار دین و عقیده و امت خود باشند یا در جهت دیگر. پس از تجربه اخیر مقاومت دو اردوگاه به وجود آمد اولی در جهت اصالت و تفکر اصیل است و دومی که تفکرات التقاطی است که سعی داشت آنها را از خارج وارد کند و به میان ملت تزریق کند. نقش انجمن نویسندگان در این زمینه چیست؟ روابط ما با مقاومت قطعی است و ما در کنار مقاومت ایستادیم، مقاومت در هر رنگی که باشد و ما مخالف صف‌آرایی‌های مذهبی و قومی و